



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2025.20220.2361

The Historical Development of the Concepts of Azan and Iqamah as Found in the Kitab al-Salah within the Four Major Hadith Collections of Early Shia Scholars

Robabeh Mirbagheri Firozabad¹

Mojgan Sarshar^{2*}

Sayed Mohsen Mirbagheri³

Abstract

Due to the variations in the number of narrations concerning Azan and Iqamah across these collections, as well as differences in their texts and chapter titles, a thorough examination was deemed necessary to assess how these changes evolved over time. Key topics include the teaching of Azan and Iqamah to the Prophet, their initiation, sections, testimonies, shortening, recitation, ablution, tathweeb, intervals, and supplications. Counting the narrations revealed that 52 years after Al-Kulayni, the 35 narrations regarding Azan and Iqamah in Al-Kafi increased to 50 in Al-Faqih. Subsequently, 79 years later, this number rose to 72 in Al-Tahdhib. There is also a noticeable increase in both the texts of these narrations and additional topics related to Azan and Iqamah in these collections. However, in Al-Istibsar, due to its focus on conflicting narrations, only an increase in chapter titles is observed, despite a decrease in the number of narrations. This descriptive-analytical study aims to uncover the nature of developments in the narrations of Azan and Iqamah from Al-Kulayni to Al-Tusi over a span of 131 years. It was found that during this period, relevant narrations consistently evolved. Additionally, it was noted that while the third testimony is not included as part of Azan and Iqamah in the four collections, “Hayya ‘ala khair al-amal” is recognized as part of their sections. Furthermore, while tathweeb is rejected in the narrations of Al-Kulayni and Al-Saduq, Al-Tusi interprets its acceptance as a matter of taqiyyah.

Keywords

Historical Development, Azan and Iqamah, Four Major Shia Hadith Collections, Third Testimony, Tathweeb, Evolution.

Article Type: Research

1. PhD Student in Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: robabehmitteghi@gmail.com
2. Responsible Author, Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Sarshar2008@gmail.com
3. Associate Professor of Quran and Hadith Sciences, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. Email: d.mirbagheri@gmail.com

Received on: 26/04/2024 Accepted on: 08/10/2024

Copyright © 2025, Mirbagheri Firozabad, Sarshar & Mirbagheri

Publisher: Imam Khomeini International University.





تلفن: ۰۲۱-۲۸۹۵-۲۵۸۸
شماره مجله: ۰۲۱-۲۴۱۷-۲۵۸۸

مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2025.20220.2361

تاریخ انگاره اذان و اقامه در روایات کتاب الصلاة در کتب اربعه حدیثی متقدمان امامیه

ربابه میرباقری فیروزآباد^۱
مزگان سرشار^۲
سید محسن میرباقری^۳

چکیده

به علت تفاوت‌هایی که در تعداد روایت‌های مربوط به اذان و اقامه در کتب اربعه و متن‌های آن‌ها و همچنین عنوان‌های باب‌های مربوطه دیده شد بررسی آن‌ها برای تعیین کیفیت تغییرات، در طی زمان ضروری به نظر رسید. محل تعلیم اذان و اقامه به پیامبر و آغاز آن، فصول و شهادت، قصر، قرائت، وضوء، تثنویب، فاصله و دعا برخی از موضوع‌های این روایت‌ها هستند. با شمارش روایت‌ها، معلوم شد که ۵۲ سال بعد از کلینی، ۳۵ روایت مربوط به اذان و اقامه در الکافی، به ۵۰ روایت در الفقیه فزونی یافته است؛ سپس ۷۹ سال بعد از الفقیه، به ۷۲ روایت در التهذیب افزایش یافته است. همچنین شاهد افزایش متن روایت‌ها و موضوع‌های بیشتری درباره اذان و اقامه در کتب اربعه، یکی پس از دیگری هستیم. اما در الاستبصار به علت پرداختن به روایات متناقض، تنها با افزایش عنوان‌های باب‌ها مواجه هستیم هر چند تعداد روایت‌ها در این مورد کمتر شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی در پی یافتن نوع تطورات در روایات اذان و اقامه در کتب اربعه، دریافت که در گذر زمان از کلینی تا طوسی، طی صد و سی و یک سال روایات مورد نظر پیوسته در حال توسعه بوده است. در ضمن یافته شد که در کتب اربعه شهادت ثالثه جزء اذان و اقامه ذکر نشده؛ ولی عبارت «حَىَّ عَلَی خَیْرِ الْعَمَلِ» از فصول اذان و اقامه شمرده شده است. تثنویب در روایات کلینی و صدوق رد شده ولی طوسی پذیرش تثنویب را در روایات، حمل بر تقیه کرده است.

کلیدواژه‌ها

تاریخ انگاره، اذان و اقامه، کتب اربعه حدیثی امامیه، شهادت ثالثه، تثنویب، توسعه.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. robabeh.mirbagheri@gmail.com
 ۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Sarshar2008@gmail.com
 ۳. دانشیار رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. Dmirbagheri@gmail.com
- تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

اذان و اقامه مجموعه‌ای از عبارات‌ها هستند که مشمول شهادت به توحید و نبوت و برانگیختن به نماز هستند. به علت تغییراتی که در زمان‌های مختلف در برخی عبارات اذان و اقامه و روایات مربوط به این دو به وجود آمده است؛ بررسی متون حدیثی در این باره ضروری به نظر رسید. ضرورت بررسی سندی و محتوایی روایات، اموری هستند که غفلت از آن‌ها در ارزیابی و تحلیل روایات، موجب عدم فهم صحیح از احادیث معصومین می‌گردد (شریفی و همکاران، ۱۴۰۳، ش، ۹۰).

در اثر فتنه‌های بسیاری که در اواخر قرن دوم و سوم در بدنه امت اسلامی وجود آمد؛ حوزه نقل روایات نیز دچار آسیب گردید. به همین دلیل برای جداشدن روایات درست از نادرست به تدریج علم حدیث به وجود آمد. تفاوت گرایش‌های فکری و کلامی نیز باعث شد تا در داوری اسناد و متون حدیث، دیدگاه‌های متفاوتی پدید آید (توتازهی و حسومی، ۱۴۰۳، ش، ۱۰).

اینک در زمان معاصر بررسی‌های تاریخی از جمله بررسی‌های تاریخ‌نگاره یکی دیگر از حوزه‌های نقد حدیث به شمار می‌آید که تغییرات یا عدم آن را در کتب روایی، به پژوهشگران می‌نمایاند. روایات مربوط به نماز، مقدمات و تعقیبات نماز نیز از مکتوباتی است که در کتاب‌های حدیثی امامیه دیده می‌شود. در این نوشتار تغییرات انگاره اذان و اقامه در کتب اربعه حدیثی متقدمان امامیه به روش توصیفی تحلیلی و از منظر تاریخی بررسی می‌شود. این کتاب‌ها عبارت‌اند از: الکافی، الفقیه، التهذیب و الاستبصار. کلینی کوشید تا آنچه را صحیح و معتبر می‌شناسد در مجموعه‌ای علمی گرد آورد (بهبودی، ۱۳۶۳، ش، ۱: ۸) و صدوق به سفارش دوستی متعهد و پرهیزکار تصمیم گرفت تا کتابی در فقه و حلال و حرام و قوانین شرع بنگارد به طوری که همه موضوعات فقه از طهارت تا دیات را در برداشته باشد (صدوق، ۱۳۶۷، ش، ۱: ۱۳ و ۱۴). اما شیخ طوسی به قصد رفع تناقض‌هایی که باعث طعن مخالفان و شبهه برخی افراد کم بصیرت شده بود دست به قلم شد. وی با تأویل روایت‌ها به رفع تضاد و تنافی بین آن‌ها پرداخت (طوسی، ۱۴۰۹، ق، ۱: ۲-۴).

روایت‌های اذان و اقامه، در کتب اربعه امامیه در قسمت کتاب الصلاة، در باب‌های متعدد و با عناوین متفاوت درج شده است. با مطالعه کتب اربعه در می‌یابیم که انگاره اذان و اقامه در این کتب طی زمان، مشمول تغییراتی در تعداد روایت‌ها، تعداد باب‌ها، عناوین باب‌ها و همچنین تغییر در متون شده‌اند. در نوشته‌های شیخ طوسی که متأخر

از کتاب‌های کلینی و صدوق هستند، تأویل، تفصیل، شرح، توضیح و افزایش تعداد روایات، در مسائل مربوط به انگاره اذان و اقامه دیده می‌شود. این تأویل‌ها و شرح‌ها مطالبی هستند که در دو کتاب اول نبوده و نشان از تغییر و تحول‌هایی در جهت توسعه درباره انگاره اذان و اقامه دارند. در این نوشتار با شمارش تعداد روایت‌ها و بررسی عناوین باب‌های مربوط به این روایت‌ها و متن‌های آنها، به تغییرهای انگاره اذان و اقامه، و احیاناً عدم تغییر در برخی موارد پی می‌بریم. سؤال اصلی مقاله این است که در بین سال‌های ۳۲۹ تا ۴۶۰، فاصله وفات کلینی و طوسی، در مدت ۱۳۱ سال، چه تغییرهایی در مطالب کتب اولیه حدیثی امامیه، در فصول و عبارات، مسائل و آداب مربوط به انگاره اذان و اقامه بوجود آمده است و این تحول‌ها در چه حد و جهتی هستند. درباره مسائل مربوط به اذان و اقامه مطالعاتی صورت گرفته ولی هیچیک به بررسی و مقایسه روایات اذان و اقامه و تطورات آن در طی زمان در کتب اربعه امامیه نپرداخته‌اند. از جمله مقاله «بررسی فقهی اذان و اقامه» که در آن با استفاده از اجماع و اتفاق نظر فقهاء و روایات بسیار نسبت به فضیلت اذان و اقامه، قائل بر این نظر است که در اصل مشروعیت اذان و اقامه برای نمازهای فریضه شکی وجود ندارد و در مورد حکم تکلیفی درباره اذان و اقامه دو نظر است که مشهور استحباب اذان و اقامه به طور مطلق است (زارعی و فخرآبادی، ۱۳۹۸، ش، ۱).

در مقاله‌ای دیگر به مضامین بلند عرفانی، ارزش و اعتبار و حیانی و عبادی اذان، فرازهای اذان و اقامه از دیدگاه مذاهب مختلف و علت اختلاف ایشان در تعبیر اذان و اقامه، لطائف ذوقی و عرفانی فرازهای اذان و اقامه، ترکیب و ترتیب اذکار آن که حاوی سیر مِنَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ و سلوک معنوی از افق قلب تا اعلاعلیین است پرداخته و در نهایت برخی آثار معنوی اذکار اذان و اقامه را بیان کرده است (سلیمانی و رجب‌زاده، ۱۳۹۶، ش، ۲۱۷).

مقاله‌ای دیگر به بررسی چرایی افزودن و علنی کردن شهادت ثالثه و ذکر «حَىَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» در دوران صفوی پرداخته و بر این نظر است که صفویان برای هویت‌بخشی مذهبی به ایرانیان در رویارویی با امپراتوری عثمانی، کسب مشروعیت بیشتر، رقابت مذهبی با امپراتوری عثمانی و تسهیل در فرایند رسمی کردن مذهب تشیع، جدیت فراوانی را برای ذکر شهادت ثالثه در اذان از خود نشان دادند (عابدی‌شهری و کجباف، ۱۴۰۰، ش، ۱۴۷).

در مقاله‌ای دیگر به اذان به عنوان یکی از مهم‌ترین شعائر هویت‌بخش دین اسلام و یکی از اعمال عبادی پرداخته شده و در آن با محوریت این پرسش که دیدگاه فقه

شیعہ در مورد شہادت ثالثہ در اذان چیست و بہ لحاظ تاریخی چہ مسائلی را از سر گذرانندہ است، ضمن مرور احکام مختلف شہادت ثالثہ، بہ برخی مباحث تاریخی و روایی پرداختہ کہ با قطععی دانستن استحباب آن، وجوب شہادت ثالثہ را تقویت می کند (حکیم الہی، ۱۳۹۵ ش، ۱۳۵). در مقالہ ای دیگر، نظر اہل سنت مبنی بر غیر وحیانی بودن مبدأ اذان و اقامہ توسط رؤیای فردی بہ نام عبداللہ بن زید، با مبانی عقلی و نقلی رد می شود (ہدائی و همکاران، ۱۳۹۶ ش، ۴۶۵).

در مقالہ ای دیگر نویسندہ دربارہ مبدأ اذان و اقامہ می گوید کہ فقہای امامیہ معتقد بہ تشریح الہی اذان و اقامہ با نزول وحی بہ رسول خدا ہستند؛ و دربارہ جزئیت و عدم جزئیت شہادت ثالثہ می گوید عدہ ای عبارت «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» را جزء مستحب با قصد جزئیت و عدہ ای مستحب بدون قصد جزئیت می دانند. روایاتی کہ بہ طور مطلق می گویند ہرگاہ شہادت بہ توحید و نبوت دادید بہ ولایت علی بن ابی طالب ہم شہادت بدہید، علت جواز شہادت ثالثہ بدون قصد جزئیت، دانستہ شدہ اند (اللہ الہی، ۱۳۹۵ ش، ۵۹).

مقالہ ای دیگر بہ چگونگی پیدایش و تداوم سنت اذان گویی و حضور اذان در بین مسلمانان بہ مثابہ یک شغل پرداختہ و با رویکردی تاریخی نشان می دہد کہ این مجموعہ بہ رغم ادعای خاورشناسان مبنی بر اقتباس سنت اذان گویی از آداب و رسوم یہودی یا مسیحی، بہ کلی با زمینہ های مشابہ در سنت های دینی دیگر متفاوت است (موسی پور، ۱۳۸۹ ش، ۱۲۶). در مقالہ «حکم اذان قبل از طلوع فجر» آمدہ کہ اذان قبل از طلوع فجر در ماہ رمضان و برای بیدار کردن مردم و آمادگی برای نماز صبح و روزہ گرفتن بودہ و نویسندہ از برخی روایات نتیجہ گرفتہ کہ بلال و ابن ام مکتوم فقط برخی از فصول اذان را پیش از طلوع فجر در ماہ رمضان قرائت می کردند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۶ ش، ۷۹).

مقالہ ای کہ در باب وقت مغرب تا تعداد فصول اذان و اقامہ، نگاشتنہ شدہ بہ بررسی مواجہہ شیخ طوسی با احادیث متعارض پرداختہ است. نویسندگان اذعان دارند کہ طوسی کوشیدہ تا از کنار گذاشتن روایات پرهیز کردہ و در حد امکان راہی برای جمع روایات متعارض پیدا کند (دہقانی و دستجانی فراہانی، ۱۳۹۹ ش، ۵۵). اما وجہ تمایز مقالہ حاضر با مطالعات پیشین، در نگاہ تاریخ انگارہ ای آن بہ سیر تطورات در روایات مربوط بہ اذان و اقامہ بہ خصوص در کتب اربعہ حدیثی متقدمان امامیہ می باشد کہ بہ روش توصیفی تحلیلی پژوهش را بہ پیش می برد. تاریخ انگارہ، روشی است نو کہ در آن با رویکردی تاریخی، بہ بررسی تغییرات مؤلفہ ای در یک مفہوم یا انگارہ می پردازد

تا گسترده‌گی، تنگنایی و تطوراتی را که در طول تاریخ در مفهوم بوجود آمده مشخص کند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۰ش، ۲۶۱). برای مثال در یک مقاله تغییر معنای کلمه شهید از گواه محکمه، تا کشته راه خدا به روش تاریخ‌انگاره‌ای بررسی شده است (منتظری و مهروش، ۱۳۹۸ش، ۱۲۳).

در مقاله‌ای دیگر به بازخوانی انگاره نذر در بستر فرهنگی عرب جاهلی و آموزه‌های عهدینی با استفاده از داده‌های زبان‌شناسی تاریخی و گزارش‌های به دست آمده از این بستر پرداخته شده است (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۸ش، ۹).

۲. مقایسه عناوین و تعداد باب‌های اذان و اقامه در کتب اربعه حدیثی متقدمان امامیه

کلینی در الکافی در کتاب الصلاة برای اذان و اقامه یک باب با عنوان «باب ابتداء اذان و اقامه و فضیلت و ثواب آن دو» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۰۲-۳۰۸) آورده که مشتمل بر ۳۵ روایت است.

صدوق نیز در الفقیه یک باب با عنوان «باب اذان و اقامه و ثواب اذان‌گویان» آورده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۸۱-۳۰۰)، تفاوت دیگر آن که تعداد روایت‌ها به ۵۰ عدد می‌رسد. اما طوسی در التهذیب دو باب برای اذان و اقامه با ۷۲ روایت آورده است. عنوان‌های این دو باب از این قرارند: «باب اذان و اقامه» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۴۹-۵۹) و «باب تعداد فصل‌های اذان و اقامه و صفات آن دو» (همان، ۲: ۵۹-۶۵)، لکن در الاستبصار روایت‌های اذان و اقامه را در باب‌های بیشتری مطرح کرده با این حال تعداد روایت‌ها در این باب‌ها ۴۷ عدد است که کمتر از روایت‌های التهذیب است. علت آن است که طوسی در الاستبصار تنها به روایت‌های متعارض پرداخته است. عناوین این باب‌ها در الاستبصار عبارت‌اند از: ۱- اذان و اقامه در نماز مغرب و نمازهای دیگر، ۲- سخن گفتن در حال اقامه، ۳- اذان گفتن در حال نشسته یا سواره، ۴- کسی که اذان و اقامه را فراموش کرده و وارد نماز شده، ۵- تعداد فصل‌های اذان و اقامه، ۶- نشستن بین اذان و اقامه در نماز مغرب.

بدین‌گونه درمی‌یابیم که روایات اذان و اقامه از زمان کلینی تا صدوق در فاصله ۵۲ سال و از زمان صدوق تا طوسی در فاصله ۷۹ سال، یعنی در طی ۱۳۱ سال، هم از نظر تعداد و هم از نظر نوع بیان و دسته‌بندی، سیر صعودی و افزایشی داشته است. علاوه بر آن محتوای روایت‌ها نیز به‌مرور دچار تحول شده است. در این مقاله به این تحول‌ها پرداخته می‌شود.

۳. موضوع‌های ابواب اذان و اقامه در کتب اربعه حدیثی متقدمان امامیه

در روایت‌های اذان و اقامه در کتب اربعه به موضوعاتی پرداخته شده که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: آغاز و محل تعلیم اذان و اقامه به پیامبر، فصول اذان و اقامه، و آداب اذان و اقامه از جمله: وقف و وضوح در حروف آخر عبارات اذان و اقامه، اذان و اقامه در نماز مغرب و نماز صبح، اذان و اقامه و وضو، اذان و اقامه و تثویب، اذان و اقامه و نشستن بین آن دو، اذان و اقامه و حرکت یا تمکن در قرائت آن دو، اذان و اقامه و بانوان، اذان و اقامه و سخن‌گفتن در آن دو، اذان و اقامه و ترتیل و تحدیر در آن دو، اذان و اقامه و فراموشی آن دو و ورود به نماز و پاداش‌های اذان و اقامه. در این مقاله به برخی از موضوع‌های مذکور پرداخته شده است.

۳-۱. زمان آغاز و محل تعلیم اذان و اقامه به رسول خدا

کتاب‌های اهل تسنن هم بر وحیانی و هم غیر وحیانی بودن اذان دلالت دارند؛ اما امامیه نحوه تشریح اذان را کاملاً وحیانی می‌داند. فقهای امامیه به پیروی از اهل بیت (ع) همگی معتقدند که اذان به تشریح خداوند و با نزول وحی بر رسول‌الله (ص) شروع شده است (آشناور، ۱۳۸۸ش، ۸۶). مجلسی به نقل از النسوی، زمان تشریح اذان را دوازده ماه بعد از هجرت و در زمان برقراری پیوند اخوت بین مؤمنان به دست پیامبر (ص) بیان کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۹: ۱۲۲). ابن حجر عسقلانی می‌گوید: «وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ» (المائدة: ۵۸) به آغاز اذان در مدینه اشاره دارد و آیه «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ» (الجمعه: ۹) نیز اشاره به آغاز اذان دارد؛ زیرا ابتداء جمعه در مدینه بود و در سال آن اختلاف شده ولی راجح آن است که در سال اول هجرت بوده و گفته شده که در سال دوم بوده است (عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ۲: ۳۹۳).

در کتب اربعه نحوه تعلیم اذان و اقامه به پیامبر دوگانه مطرح شده است. برخی روایات آغاز تعلیم اذان و اقامه را به رسول خدا، مربوط به زمان معراج و در بیت المعمور می‌دانند و برخی دیگر آن را منوط به هبوط جبرئیل به زمین و تعلیم به رسول خدا می‌دانند. این روایات با تفاوت‌هایی در کتب اربعه دیده می‌شوند.

۳-۱-۱. آغاز تعلیم اذان و اقامه در معراج

کلینی در الکافی از ابوجعفر (ع) روایت می‌کند که وقتی رسول خدا به آسمان سیر داده شد و به بیت‌المعمور رسید وقت نماز شد. جبرئیل اذان و اقامه گفت و رسول خدا جلو ایستاد و ملائکه و پیامبران پشت پیامبر صف بستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۰۲).

صدوق در الفقیه (صدوق، ۱۳۶۷ش، ۱: ۲۸۱ و ۲۸۲) روایت را از ابوعبدالله (ع) نقل کرده است. در این روایت ذکری از بیت المعمور نیامده و فقط عبارت‌های اذان و کلماتی از قول فرشتگان در مقابل عبارات اذان بیان شده است. اذان در روایت‌های مذکور در الفقیه با دو تکبیر آغاز شده ولی طوسی در التهذیب می‌گوید که اصل در اذان به اجماع طائفه چنین است که با چهار تکبیر شروع شود و این روایت در مقام تعلیم و تفهیم الفاظ اذان به مخاطب است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۱).

تفاوت در متن روایات مربوط به اذان و اقامه در کتب اربعه به طور کامل مشهود است. در الکافی فقط اذان گفتن جبرئیل ذکر شده، در الفقیه تنها عبارت‌های اذان آمده و در التهذیب (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۰) و الاستبصار (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱: ۳۰۵)، عبارت‌های اذان و اقامه هر دو به طور کامل و یکسان و از ابوجعفر بیان شده‌اند. یعنی در الکافی به شکل مجمل و در کتب بعدی به مراتب، به تفصیل بیان شده‌اند.

۳-۱-۲. آغاز تعلیم اذان و اقامه در زمین

مضمون روایات مربوط به هبوط جبرئیل و تعلیم اذان و اقامه به پیامبر، درحالی‌که سر بر دامان علی گذاشته و خوابیده بود در کتب اربعه یکسان ذکر شده‌اند، جز این‌که این حدیث در الاستبصار دیده نشد. در این حدیث آمده است هنگامی‌که رسول خدا سر بر دامان علی گذاشته بود جبرئیل با اذان و اقامه فرود آمد، وقتی رسول خدا (ص) بیدار شد سر برداشت و فرمود یا علی شنیدی؟ گفت بله. فرمود یاد گرفتی؟ گفت بله. فرمود بلال را صدا بزن و به او یاد بده. مجلسی به نقل از النسوی، زمان تشریح اذان را دوازده ماه بعد از هجرت و در زمان برقراری پیوند اخوت بین مؤمنان به دست پیامبر بیان کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۹: ۱۲۲).

در همه روایت‌های آغاز تعلیم اذان و اقامه، هنگام هبوط جبرئیل، سر پیامبر (ص) بر دامان علی (ع) است، ولی این روایت‌ها در این سه کتاب تفاوت‌هایی دارند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۰۲؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۸۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۲۷۷).

از نظر راویان و سند، هر سه فقیه از منصور از ابوعبدالله روایت کردند جز این‌که طوسی گفته منصور ولی کلینی و صدوق گفته‌اند منصور بن حازم.

با توجه به متن روایت‌ها در پاورقی، در الکافی و التهذیب «لَمَّا» و «عَلِيٌّ» آمده؛ ولی در الفقیه این دو کلمه ذکر نشده و از طرفی در الفقیه «وَا» قبل از كَانَ، و «يَا رَسُولَ اللَّهِ» بعد از نَعَم آمده؛ ولی در دو کتاب قبلی نیامده است. این تفاوت در الفاظ در حالی

است کہ کلینی و صدوق، از منصورین حازم از ابو عبد اللہ روایت را نقل می کنند و روایت صدوق در الفقیہ تنہا با فاصلہ ۵۲ سال از کلینی در کتاب الکافی، نوشتہ شدہ است. با این حال طوسی این روایت را ۷۹ سال بعد، کاملاً مانند کلینی نقل کردہ است. این روایت در فاصلہ سالہای ۳۲۹، ۳۸۱ و ۴۶۰ ابتدا در زمان صدوق با تغییراتی در الفاظ درج شدہ و سپس کاملاً مانند کلینی بدون کم و کاست نگاشتہ شدہ است.

۳-۲. عبارت های اذان و اقامہ

روایت های کتب اربعہ دربارہ الفاظ اذان و اقامہ با یکدیگر تفاوت هایی دارند. این تفاوت ها مربوط بہ تعداد تکبیرهای اول اذان و دوتادوتا یا یکی یکی بودن عبارت ها ہستند. برخی از نویسندگان کتب اربعہ روایت هایی را ذکر کردہ اند کہ در آن ها علت این تفاوت ها را مربوط بہ شرائط کسی دانستہ اند کہ اذان و اقامہ می گوید. برای مثال طوسی از ابو جعفر (ع) روایت کردہ کہ اگر عجلہ داشتی می توانی عبارات اذان را یکی یکی بگویی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۲).

از طرفی شہادت ثالثہ فصلی است کہ در اذان و اقامہ مورد بحث و گفتگو است. منظور از شہادت ثالثہ، عبارت «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» است کہ در کتب اربعہ امامیہ بہ عنوان بخشی از اذان و اقامہ ذکر نشدہ است. در مذهب امامیہ عدہ ای اما شہادت ثالثہ را مانند قنوت در نماز، جزء مستحب در اذان می دانند و عدہ ای اما بدون قصد جزئیت، یعنی مستحبی است کہ جزو اجزای اذان نیست. علت این کہ فقہای شیعہ شہادت ثالثہ را، بدون قصد جزئیت جایز می دانند آن است کہ در برخی روایت ها آمدہ است کہ ہر گاہ شہادت بہ توحید و رسالت دادید، شہادت بہ ولایت علی بن ابی طالب (ع) ہم بدهید و این روایات چون مطلق است، پس شامل اذان و اقامہ ہم می شود (آشناور، ۱۳۸۸ش، ۸۶).

کلینی از ابو جعفر (ع) روایت کردہ کہ اذان و اقامہ ۳۵ حرف ہستند، اذان ۱۸ و اقامہ ۱۷ حرف و آن ها را یکی یکی با دستانش شمرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۰۲). کلینی می گوید از ابو جعفر (ع) روایت شدہ کہ اذان با چہار تکبیر شروع می شود و با دو تکبیر و دو تہلیل خاتمہ می یابد (ہمان، ۳۰۳). وی در روایتی دیگر از ابو عبد اللہ (ع) روایت می کند کہ اذان و اقامہ دوتادوتا ہستند (ہمان). کلینی اذان را بہ شرح کلمات توضیح دادہ؛ ولی آن را در یک جا بہ طور کامل نیاوردہ است.

صدوق در الفقیه از ابو عبدالله (ع) بندهای اذان را نقل می‌کند که مشتمل بر «اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ وَحَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ» است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۸۱ و ۲۸۲). در این روایت عبارت «حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» دیده نمی‌شود؛ ولی در روایتی دیگر از ابو عبدالله (ع) اذان کامل را با عبارت «حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» آورده است (همان، ۱: ۲۸۹). وی از یکی از امامان روایت می‌کند که بلال بنده صالحی بود. وقتی گفت بعد از رسول خدا برای احدی اذان نمی‌گویم از آن روز عبارت «حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» ترک شد (همان، ۱: ۲۸۴).

صدوق از ابو عبدالله (ع) روایت می‌کند که اذان با چهار تکبیر شروع می‌شود (همان، ۱: ۲۹۰). بعد از ذکر این روایت می‌گوید که اذان صحیح همین است و چیزی به آن اضافه نمی‌شود و از آن چیزی کم نمی‌شود. سپس می‌گوید مفوضه که خدا لعنتشان کند اخبار را کنار گذاشتند و به اذان، عبارت «مُحَمَّدٌ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» را اضافه کردند و در برخی روایت‌هایشان بعد از «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، دو مرتبه عبارت «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» را اضافه کردند و بعضی از ایشان به جای این عبارت دو مرتبه «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» را اضافه کردند. صدوق می‌گوید شکی نیست که علی به حق ولی الله و امیرالمؤمنین است و محمد و آتش خیر البریه هستند؛ ولی این اصل و اساس ایمان و اسلام است و در اذان نیست (همان).

طوسی اذان را در التهذیب در یک روایت با «حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» آورده است^۱ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۱)، و در روایت بعدش (همان) آن را بدون «حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» ذکر کرده است. شیخ طوسی از ابوجعفر (ع) روایت می‌کند که جبرئیل در ابتدای اذان در معراج دو بار تکبیر گفت (همان، ۲: ۶۰) و از ابو عبدالله (ع) نیز نقل می‌کند که اذان را با دو تکبیر آغاز کرد (همان، ۵۹). وی علت این عمل امام را تفهیم کیفیت عبارات اذان به مخاطب می‌داند و می‌گوید معلوم است که با وجود اختیار جایز نیست با دو تکبیر اذان گفته شود (همان، ۶۱). طوسی سپس روایتی از ابوجعفر (ع) می‌آورد که به زراره گفت با چهار تکبیر اذان را آغاز کن و با دو تکبیر و دو تهلیل خاتمه بده (همان) و نیز از ابوجعفر (ع) نقل می‌کند که در حال عجله باکی نیست که در اذان یکی یکی

۱. «عن أبي جعفر قال: لما أسري برسول الله ص فبلغ البيت المعمور حصرت الصلاة فآذن جبرئيل ع وأقام فتقدم رسول الله ص وصف الملائكة والنبيين خلف رسول الله ص قال فقلنا له كيف آذن فقال الله أكبر الله أكبر أشهد أن لا إله إلا الله - أشهد أن لا إله إلا الله أشهد أن محمدًا رسول الله أشهد أن محمدًا رسول الله حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْإِقَامَةُ مِثْلَهَا إِلَّا أَنْ فِيهَا قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ بَيْنَ حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ وَ بَيْنَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ فَأَمَرَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِإِلَّا فَلَمْ يَزَلْ يُؤَذِّنُ بِهَا حَتَّى قَبِضَ اللَّهُ - رَسُولُهُ ص».

تکبیر بگویی (همان، ۶۲) و نیز از ابوجعفر (ع) روایت کرده که همان طور که در نماز قصر می شود، در اذان و اقامه نیز قصر می شود و عبارت ها یکی یکی خوانده می شوند (همان). از ابوعبدالله (ع) روایت کرده که دو تادوتا اقامه بگویم برایم محبوب تر از این است که یکی یکی اذان و اقامه بگویم (همان) و در روایتی دیگر از ابوعبدالله (ع) آورده که در سفر یکی یکی اقامه گفتن کفایت می کند (همان). روایات الاستبصار نیز در این مورد مانند التهذیب است.

چنان که گفته شد در باب فصول و تعداد عبارات اذان و اقامه در کتب اربعه، کلینی در الکافی عبارات اذان و اقامه را تنها به صورت توضیحی آورده است. هر چند وی عبارت «حَيَّ عَلَيَّ خَيْرِ الْعَمَلِ» را در عبارات اذان نیاورده؛ ولی از آن جا که تعداد فصول اذان را ۱۸ فصل گفته، درمی یابیم که این عبارت در اذان بوده است. اگر بگویید چرا عبارت «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَوَلِيُّ اللَّهِ» را در نظر نمی گیرید می گوئیم که دلیل ما روایاتی است که در الفقیه و التهذیب آمده اند و آن ها نیز عبارت «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَوَلِيُّ اللَّهِ» را نیاورده اند ولی «حَيَّ عَلَيَّ خَيْرِ الْعَمَلِ» را آورده اند.

صدوق در الفقیه عبارات اذان و اقامه را پی در پی آورده و «حَيَّ عَلَيَّ الْفَلَاحِ» و «حَيَّ عَلَيَّ خَيْرِ الْعَمَلِ» را هم ذکر کرده است. طوسی نیز در التهذیب عبارت «حَيَّ عَلَيَّ خَيْرِ الْعَمَلِ» را در آخر اذان آورده است. در این کتب روایات فصول و تعداد عبارات اذان و اقامه صادره از دو امام ابوجعفر (ع) و ابوعبدالله (ع) هستند. در تاریخ انگاره اذان و اقامه در باب فصول اذان و اقامه، کتب اربعه سیر صعودی را پیش گرفته و هر یک به مراتب توضیحات بیشتری در این مورد می دهند. طوسی از آنجا که هدفش از نوشتن الاستبصار، جمع روایات متناقض است، دلایلی برای قصر در فصول اذان و اقامه ذکر می کند، در حالی که این روایات و توضیحات برای تفاوت فصول اذان و اقامه در کتب قبلی دیده نمی شود.

۳-۳. اذان و اقامه و قصر در آن ها

همان طور که در نماز قصر می شود در اذان و اقامه نیز قصر می شود. قصر در نماز، رحمتی از پروردگار بر مسافر است که به سبب سختی و رنجی که بر او تحمیل می شود از تعداد رکعات اضافه شده نمازش، کم می کند (صدوق، ۱۳۷۲ ش، ۲: ۲۳۶). منظور از قصر در اذان و اقامه، یکی یکی گفتن عبارات های اذان و اقامه (طوسی، ۱۳۹۰ ق، ۱: ۳۰۸) و یا قصر به اقامه بدون اذان می باشد (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۵۱) و گاهی به سه عبارت پایانی اقامه اکتفاء می شود (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۳: ۳۰۶).

کلینی در الکافی درباره کفایت اقامه بدون اذان برای نمازها از یکی از دو امام نقل می‌کند که فرمود اگر به جماعت نماز می‌خوانی اذان و اقامه بگو و اگر به تنهایی نماز می‌خوانی و کاری برایت پیش آمده که ترس از دست دادن آن کار را داری اقامه به تنهایی برایت کفایت می‌کند مگر در نماز فجر و مغرب زیرا در این دو نماز قصر نمی‌شود و سزااست که در اذان و اقامه این دو نماز قصر نشود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۰۳).

وی در روایتی از ابو عبدالله (ع) نقل می‌کند که اگر شخص وارد مسجد شود و بترسد که اگر اذان و اقامه بگوید امام به رکوع برود، می‌گوید «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و نماز را آغاز می‌کند (همان، ۳: ۳۰۶). در این روایت نامی از قصر در اذان و اقامه نیامده؛ ولی در حقیقت در آن دو به شیوه‌ای متفاوت قصر شده به طوری که هیچ‌یک از اذان و اقامه کامل قرائت نمی‌شوند و تنها سه عبارت آخر اقامه قرائت می‌شوند.

صدوق درباره اکتفاء به اقامه در الفقیه در باب اذان و اقامه دو روایت آورده است. در یک روایت از ابوجعفر (ع) می‌گوید ابتدای شب و روز با اذان و اقامه باشد و در سایر نمازها اقامه بدون اذان کفایت می‌کند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۸۶) و در روایت دیگر از امام صادق (ع) آورده که در سفر اقامه بدون اذان کفایت می‌کند (همان، ۲۹۱).

طوسی اما بعد از ذکر روایت‌هایی که در آن‌ها عبارات‌های اذان و اقامه را به صورت دوتایی بیان می‌کند به روایت‌هایی می‌پردازد که در آن‌ها جواز یکی یکی گفتن عبارات‌های اذان و اقامه آمده است. گویی در این سال‌ها قصر در اذان و اقامه مورد ابتلای مردم بوده و از سوی شیعه مورد پرسش قرار گرفته و طوسی در التهذیب در قالب روایت‌ها، به این سؤال‌ها پاسخ داده است. برخی روایت‌هایی که طوسی در کتاب خود آورده در کتاب‌های جامع قبل‌ی درج نشده است. وی با ذکر چند روایت علت‌هایی برای جواز قصر در اذان و اقامه ذکر می‌کند. برخی از این علت‌ها عبارت‌اند از: تقیه، اضطرار، عجله، عدم اختیار و سفر (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۱ و ۶۲). طوسی در الاستبصار (۱۳۹۰ق، ۱: ۳۰۷ و ۳۰۸) نیز روایاتی را درباره قصر در اذان و اقامه آورده است.

روایاتی که کلینی و صدوق و طوسی در باره قصر در اذان و اقامه در کتب خود آورده‌اند در سند و در نوع بیان و الفاظ متفاوت هستند. برای مثال کلینی درباره عدم قصر اذان و اقامه در نماز فجر و مغرب، از یکی از دو امام روایت می‌کند؛ ولی صدوق از ابوجعفر (ع) روایت می‌کند و تفاوت در نوع بیان حکم چنین است که کلینی ابتدا می‌گوید اگر به جماعت نماز می‌خوانی اذان و اقامه بگو و بعد از آن می‌گوید اگر به تنهایی نماز

می‌خوانی و کاری برایت پیش آمده که ترس از دست دادن آن کار را داری اقامه به تنهایی برایت کفایت می‌کند، سپس عدم قصر در اذان و اقامه در نماز مغرب و فجر را همراه با دلیل مطرح می‌کند؛ ولی طوسی بدون مقدمه و به شکل کنایی از نماز مغرب و فجر سخن می‌گوید و در مورد این که به جماعت یا فرادی نماز می‌خوانی و اینکه کاری برایت پیش بیاید یا نه و درباره علت عدم جواز قصر در اذان و اقامه در نماز مغرب و فجر سخنی نمی‌گوید. مورد دیگر این که در روایات کلینی جواز قصر در اذان و اقامه به خاطر سفر دیده نمی‌شود. این مطالب همان تغییرهایی هستند که در انگاره اذان و اقامه طی ۱۳۱ سال بعد از کلینی و ۷۹ سال بعد از صدوق، به وجود آمده‌اند. از ۸ روایتی که طوسی در این مورد آورده، ۳ روایت از ابوجعفر و ۵ روایت از ابوعبدالله است. طوسی در الاستبصار (۱۳۹۰ق، ۱: ۳۰۷ و ۳۰۸) نیز قصر در اذان و اقامه را بیان کرده است. این مطلب از مواردی است که تغییر و تحول را در جهت توسعه در انگاره اذان و اقامه در کتب اربعه امامیه نشان می‌دهد. این توسعه در بیشتر شدن تعداد روایات و بیشتر شدن شرائط و گوناگونی آن برای نمازگزار، برای قصر در اذان و اقامه دیده می‌شود. برخی از شرائط ذکر شده عبارت‌اند از جماعت یا فرادی بودن نماز، ترس از دست رفتن کاری، سفر و این که نماز مغرب و فجر باشد یا سایر نمازها.

۳-۴. قرائت صحیح اذان و اقامه

کلینی در الکافی درباره صحیح خواندن عبارات اذان و اقامه روایت‌هایی را آورده است که در یکی از آن‌ها از ابوجعفر (ع) نقل می‌کند که هرگاه اذان می‌گویی الف و هاء آن را واضح بگو و بر نبی صلوات بفرست و هرگاه پیامبر را یاد کردی یا کسی در اذان یا غیر اذان از پیامبر یاد کرد بر نبی درود بفرست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۰۳). صدوق نیز از ابوجعفر (ع) در الفقیه روایتی با این مضمون آورده؛ ولی تفاوت‌هایی در الفاظ آن دیده می‌شود (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۸۴).

طوسی نیز در التهذیب به نقل از ابوجعفر (ع) می‌گوید که اذان مجزوم است الف و هاء در آن به وضوح ادا می‌شود و اقامه به حدر (سریع) است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۵۸) و در روایتی دیگر از امام صادق می‌گوید که در اذان تکبیر مجزوم است و الف و هاء به وضوح ادا می‌شوند (همان).

مضمون روایات در باره مجزوم بودن عبارات اذان و اقامه و وضوح الف و هاء یکسان هستند؛ ولی این روایات هم در سند و هم در متن دارای الفاظ متفاوتی هستند.

۳-۵. اذان و اقامه در نماز مغرب و نماز صبح

قرائت اذان و اقامه در ابتدای همه نمازها به عنوان مقدمه این عبادت، در کتب اربعه مورد توجه است. اما اذان و اقامه در نماز مغرب و نماز صبح نزد امامیه جایگاه ویژه‌ای دارد.

کلینی در الکافی درباره کفایت اقامه بدون اذان برای نمازها از یکی از دو امام نقل می‌کند که فرمود اگر به جماعت نماز می‌خوانی اذان و اقامه بگو و اگر به تنهایی نماز می‌خوانی و کاری برایت پیش آمده که ترس از دست دادن آن کار را داری اقامه به تنهایی برایت کفایت می‌کند مگر در نماز فجر و مغرب زیرا در این دو نماز قصر نمی‌شود و سزااست که در اذان و اقامه این دو نماز قصر نشود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۰۳).

صدوق در الفقیه درباره اذان و اقامه در نماز مغرب و صبح یک روایت آورده است. وی از ابوجعفر (ع) روایت می‌کند که کمترین چیزی که برای نمازها کفایت می‌کند این است که شخص شب و روز را با اذان و اقامه شروع کند و در بقیه نمازها اقامه به تنهایی کفایت می‌کند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۸۶). در این روایت نماز صبح و مغرب به شکل کنایی آمده‌اند.

طوسی در التهذیب یک روایت در این مورد، از ابو عبدالله (ع) روایت می‌کند که اذان را برای هیچ‌یک از نمازها ترک نکن و اگر ترک کردی در نماز مغرب و فجر ترک نکن؛ زیرا در آن‌ها قصر نمی‌باشد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۴۹) وی در الاستبصار نیز این روایت را آورده است (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱: ۲۹۹).

ولی در الاستبصار روایت‌های بیشتری مبنی بر این موضوع آورده است. وی چند روایت از ابو عبدالله و یک روایت به صورت مضمّر می‌آورد که در آن‌ها تأکید بر خواندن اذان و اقامه در نمازها مخصوصاً نماز مغرب و صبح می‌شود و در ادامه می‌گوید که مراد از این تأکیدها، وجوب نیست؛ بلکه به خاطر استحباب بسیار اذان و اقامه و تشویق به کسب ثواب عظیم است (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱: ۲۹۹ و ۳۰۰).

روایت‌های ذکر شده در کتب اربعه در مورد اهمیت اذان و اقامه در نماز فجر و مغرب از نظر سند کاملاً با یکدیگر تفاوت دارند؛ هم از نظر سلسله راویان و هم امامی که روایت از قول او نقل می‌شود. کلینی از یکی از دو امام، صدوق از ابوجعفر (ع)، و طوسی از ابو عبدالله (ع) روایت می‌کند. از نظر متن نیز هر چند مضمون روایات مبنی بر سفارش به قرائت اذان و اقامه در نماز مغرب و نماز فجر یکسان است؛ ولی تفاوت‌هایی در نوع بیان آن‌ها دیده می‌شود. یکی از تفاوت‌ها این است که کلینی می‌گوید در جماعت اذان و اقامه بگو و اگر فردی نماز می‌خوانی و کاری برایت پیش آمد تنها اقامه

را قرائت کن و در فاصله زمانی بین کلینی و صدوق، صدوق اذان و اقامه برای نماز مغرب و نماز فجر را با کنایه و بدون نام بردن لفظ نماز بیان کرده و برای بقیه نمازها اقامه تنها را کافی دانسته؛ ولی طوسی با صراحت می‌گوید اذان و اقامه را برای هیچ‌یک از نمازها ترک نکن. در سیر زمانی از کلینی تا صدوق و از او تا طوسی یک سیر نزولی و سپس صعودی برای بیان اهمیت اذان و اقامه در نماز مغرب و فجر دیده می‌شود. سپس طوسی در الاستبصار علاوه بر آن‌که بر تعداد روایات در این مورد افزوده، بر قرائت اذان و اقامه در نمازها تأکید دارد و می‌گوید این تأکیدها به معنای وجوب نیست؛ بلکه به‌خاطر استحباب بسیار و پاداش بزرگ آن است؛ ولی این تأکیدها در کتب قبله دیده نمی‌شوند.

۳-۶. اذان و اقامه با وضو

آب وسیله مناجات و قرب خداوند و مقدمه بندگی و عبادت باری تعالی است. آب همانند رحمت پروردگار متعال، گناهان بندگان را محو کرده و نجاسات ظاهری را تطهیر می‌کند (جعفرین محمد، ۱۳۶۰ ش، ۴۲). داشتن وضوء در برخی عبادات از جمله اذان و اقامه لحاظ شده و در کتب اربعه امامیه به این موضوع پرداخته شده است.

کلینی از حلبی نقل کرده که باکی نیست شخص بدون وضو اذان بگوید؛ ولی برای اقامه باید وضو داشته باشد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۳: ۳۰۴). صدوق از ابو عبدالله روایت می‌کند که برای اذان می‌توانی بدون وضوء با یک لباس، ایستاده یا نشسته و روبه هر جهت باشی؛ ولی وقتی اقامه می‌گویی باید وضوء داشته باشی و آماده نماز باشی (۱۴۰۷ ق، ۱: ۲۸۲). در روایتی دیگر از امام صادق (ع) آورده که باکی نیست که سواره و پیاده یا بدون وضو اذان بگویی؛ ولی سواره و نشسته اقامه نگو مگر این‌که عذری داشته باشی یا در سرزمین دزدخیزی باشی (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ۱: ۲۸۳).

طوسی در التهذیب از ابو عبدالله روایت می‌کند که باکی نیست که بدون وضوء طهور اذان بگویی؛ ولی اقامه نگو جز اینکه با وضو باشی (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۵۳) و در روایتی دیگر همین مضمون را می‌آورد؛ ولی برخی الفاظ در این روایت با روایت قبلی متفاوت‌اند و عباراتی کم‌وزیاد شده‌اند (همان، ۲: ۵۳). وی در روایتی دیگر از ابو عبدالله از پدرش علی (ع)، درباره شخص جنب سخن به میان می‌آورد و می‌گوید که باکی نیست پسر قبل از بلوغ اذان بگوید و مؤذن در حال جنب می‌تواند اذان بگوید؛ ولی برای اقامه باید غسل کند (همو). طوسی در الاستبصار در این مورد روایتی نیاورده است. با نگاهی به روایات بالا معلوم می‌شود که تاریخ‌انگاره اذان و اقامه در مؤلفه اذان و اقامه

با وضوء، دارای سیر صعودی است. کلینی تنها یک روایت کوتاه بدون توضیحات آورده؛ ولی صدوق و طوسی به ترتیب این موضوع را با توضیحات بیشتری ارائه کرده‌اند و حتی طوسی مسئله غسل را نیز ذکر کرده است. به‌مرورزمان، در فاصله بین سال‌های ۳۲۹ تا ۴۶۰ در کتب اربعه امامیه به ترتیب درباره این موضوع روایات بیشتر، با توضیحات کامل‌تری دیده می‌شود.

۷-۳. تئویب در اذان و اقامه

از منظر دکتر بهبودی «تئویب یعنی تکرار بندهای اذان تا بیشتر طول بکشد و جمعیت بیشتری برای نماز جماعت حاضر شوند. تئویب از اختراعات اهل سنت است و در احادیث شیعه فقط از باب تقیه مطرح می‌شود» (بهبودی، ۱۳۶۳ ش، ۲: ۲۱۴). از منظر مصحح کتاب الکافی جمله «الْصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» که برای جمع شدن نمازگزاران در اقامه گفته می‌شود تئویب نام دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۰۳ پاورقی)؛ اما شیخ حر عاملی در ابواب اذان و اقامه بابی تحت عنوان عدم جواز تئویب در اذان و اقامه باز کرده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۴۲۵).

از تعاریف مذکور چنین برمی‌آید که تئویب در اذان به‌تنهایی، در اقامه به‌تنهایی، و در هر دوی اذان و اقامه به کار برده می‌شود. از دیدگاه اهل سنت مؤذن در نماز صبح با گفتن «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» مردم را به نماز می‌خواند وقتی بگوید «الْصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» در واقع به مضمون قبلی برگشته است؛ از این‌رو آن را تئویب گویند (رزاقی هر یکنده‌ئی و صادقی‌آهنگری، ۱۳۹۹ ش، ۱۵۹). ابن حجر عسقلانی از قول خطابی می‌گوید که عامه تئویب را تنها در گفتن «الْصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» از قول مؤذن در اذان معرفی می‌کنند و می‌گویند لکن مراد خطابی در این سخن، اقامه است سپس می‌گوید: واللہ اعلم (عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ۲: ۸۵-۸۶).

کلینی در الکافی آورده که از ابو عبدالله (ع) درباره تئویب در اذان و اقامه سؤال شد، ایشان گفت ما تئویب را نمی‌شناسیم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۰۳). وی در روایتی دیگر از ایشان نقل می‌کند که اگر مؤذن برای آمادگی نمازگزاران و جمع شدن مردم برای نماز جماعت شهادتین و «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» یا «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» را دو یا سه بار و بیشتر تکرار کند اشکالی ندارد (همان، ۳۰۸). این بدان معناست که امام تئویب و عبارت «الْصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» را انکار می‌کند و گفتن آن را جائز نمی‌داند.

صدوق نیز در الفقیه روایت ابو عبدالله (ع) را نقل کرده که فرمود ما تئویب را نمی‌شناسیم (۱۴۱۳ق، ۱: ۲۸۹). در پاورقی الفقیه آمده که این کلام امام کنایه از این است که تئویب سنت نیست و بدعت است؛ زیرا هر چه سنت باشد اهل بیت آن را می‌شناسند پس هر چه ایشان نشناسند سنت نیست و تشریحی حرام است (همان، پاورقی). صدوق درباره تئویب تنها همین روایت را در باب اذان و اقامه آورده و از امامان دیگر در این مورد روایتی نقل نکرده است.

طوسی در التهذیب دو روایت از ابوجعفر (ع) و ابو عبدالله (ع) آورده است. از ابوجعفر (ع) نقل می‌کند که پدرم در خانه «الصَّلَاةَ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» را ندا می‌داد و تو اگر آن را تکرار کنی اشکال ندارد^۱ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۳). وی از ابو عبدالله (ع) روایت می‌کند که نداء و تئویب در اقامه سنت است (همان، ۲: ۶۲).

طوسی بعد از نقل این دو روایت می‌گوید که این دو روایت به خاطر اجماع طائفه بر ترک این عمل حمل بر تقیه می‌شوند. این سخن طوسی نشان از تغییر و ورود مطالب بیشتر و اضافه شدن متن‌های روایت‌ها در طول زمان است. وی سپس دو روایت از ابوجعفر (ع) و ابو عبدالله (ع) می‌آورد که در یکی از آن‌ها ابوجعفر (ع) می‌گوید اگر خواستی به جای «الصَّلَاةَ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ»، «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» بگو (همان، ۶۳) و از ابو عبدالله (ع) روایت می‌کند که ما تئویب را نمی‌شناسیم (همان) و از ابو عبدالله (ع) همان روایتی که در الفقیه آمده مبنی بر این که برای جمع شدن نمازگزاران می‌توانی شهادتین و «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» یا «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» را دو یا سه بار یا بیشتر بگویی، آورده است (همان). در الاستبصار نیز که برای جمع اخبار مختلف است، همین روایات آمده‌اند (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱: ۳۰۸ و ۳۰۹).

روایاتی که کلینی و صدوق آورده‌اند تئویب را از قول امامان رد می‌کنند؛ ولی طوسی با ذکر روایاتی که در آن‌ها تئویب را سنت می‌دانند و یا تکرار تئویب را جایز می‌دانند به توجیه آن‌ها پرداخته و آن‌ها را حمل بر تقیه کرده است. این روایات و توجیهاات مربوط به آن‌ها در الکافی و الفقیه دیده نمی‌شود در حالی که فاصله زمانی صدوق تا طوسی ۷۹ سال است و تغییرات مذکور در این فاصله کوتاه به وجود آمده است. این مورد نیز از تحولاتی است که در تاریخ انگاره اذان و اقامه، در باب تئویب، در کتب اربعه وجود دارد.

۱. در روایت لفظ «رَدَدَتْ» آمده که به معنی تکرار با اکراه است هرچند به معنی مطلق رجوع هم می‌باشد (ر.ک. عسکری، ۱۴۰۰ق، ۱۰۷).

۳-۸. فاصله انداختن بین اذان و اقامه

فاصله انداختن بین اذان و اقامه از موضوع‌هایی است که در روایت‌های اسلامی به آن پرداخته شده است. مدت‌زمان فاصله بین اذان و اقامه معین نشده است. مهم این است که نمازگزاران وقت کافی برای رسیدن به مسجد داشته باشند. برای همین در روایت آمده که بین اذان و اقامه فاصله بینداز تا شخصی که غذا می‌خورد یا چیزی می‌نوشد از کارش فارغ شود و کسی که نیاز به قضاء حاجت دارد در فشار نباشد (ترمذی، ۱۳۹۵ش، ۱: ۳۷۳).

در برخی روایات دلیل و مصلحتی برای فاصله انداختن بین اذان و اقامه مطرح می‌شود گاهی نیز برای آن پاداشی ذکر می‌شود. از جمله این‌که نشستن بین اذان و اقامه در نماز مغرب مانند غوطه‌ور شدن شهید در خون خودش در راه خدا است (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۱۵۰). در کتب اربعه حد فاصله بین اذان و اقامه به صورت نشستن یا گفتن ذکرمانند تسبیح یا تحمید و حتی به اندازه یک نفس کشیدن بیان شده است. کلینی از ابوالحسن الرضا (ع) روایت می‌کند که نشستن در همه نمازها بین اذان و اقامه است هرگاه قبل از اقامه نمازی برای خواندن نباشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۰۶). صدوق در الفقیه مضمراً از امام روایت می‌کند که در نماز فریضه اذان و اقامه بگو و بین آن دو با نشستن یا سخنی یا تسبیحی فاصله بینداز و کمترین فاصله این است که بگویی الحمدلله (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۸۵).

طوسی نیز در التهذیب از عمار ساباطی از ابوعبدالله (ع) روایت می‌کند که بین اذان و اقامه با نشستن یا سخنی یا تسبیحی فاصله بینداز (۱۴۰۷ق، ۲: ۴۹). وی در یک روایت از حسن بن شهاب از ابوعبدالله (ع) می‌گوید که حتماً باید بین اذان و اقامه نشست (همان، ۶۴) و در روایتی دیگر از سلیمان بن جعفر جعفری، مضمراً از امام نقل می‌کند که بین اذان و اقامه با نشستن، یا دو رکعت نماز فاصله بینداز (همان).

در روایت دیگر از احمد بن محمد نقل می‌کند که نشستن بین اذان و اقامه در همه نمازهاست، هرگاه قبل از اقامه نمازی نباشد که آن را بخواند (همان). وی سپس روایتی را از بعضی از اصحاب از ابوعبدالله (ع) بیان می‌کند که در آن می‌گوید بین همه اذان و اقامه‌ها یک نشست است مگر اذان و اقامه نماز مغرب که به اندازه‌ی یک نفس بین آن دو فاصله است (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱: ۳۰۹). یک روایت هم آورده که در آن می‌گوید که امام بدون این‌که بین اذان و اقامه با نشستن، فاصله بیندازد نمازش را خواند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۲۸۵). طوسی سپس در ابواب الزیادات، از عمار ساباطی نقل می‌کند که

از ابو عبدالله (ع) درباره اذان و اقامه سؤالاتی می‌کند و در ضمن آن‌ها می‌پرسد که اگر نمازگزار فراموش کند بین اذان و اقامه فاصله بیندازد و شروع به نماز کند وظیفه‌اش چیست؟ امام می‌گوید چیزی بر عهده‌ی او نیست و نباید عمداً این کار را ترک کند و کمترین حد فاصله این است که الحمدلله بگوید (همان، ۲۸۰).

طوسی در الاستبصار نیز از بعضی اصحاب از ابو عبدالله (ع) روایت می‌کند که بین همه‌ی اذان و اقامه‌ها یک نشستن فاصله است جز مغرب که بین اذان و اقامه آن یک نفس فاصله است (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱: ۳۰۹) و در روایت دیگر از ابو عبدالله (ع) روایت می‌کند که فرمود کسی که بین اذان و اقامه بنشیند؛ مانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلتیده است (همان، ۳۱۰). طوسی بعد از بیان این روایت می‌گوید که جمع بین اخبار درباره‌ی فاصله‌ی اذان و اقامه، به اندازه‌ی یک نشستن و یک نفس، چنین است که اگر اول وقت بود جایز است که به اندازه‌ی یک نشستن فاصله بیندازد و اگر وقت تنگ بود یک نفس فاصله کفایت می‌کند (همان).

تاریخ‌انگاره‌ی اذان و اقامه، در مؤلفه فاصله بین اذان و اقامه، مانند موارد گذشته در جهت توسعه تحول‌یافته است. به این معنی که کلینی یک روایت کوتاه آورده که می‌گوید در تمام نمازها بین اذان و اقامه بنشینید اگر نمازی نباید بخوانید، ولی در فاصله‌ی ۵۲ سال از وی، صدوق این نشستن را با عنوان فاصله مطرح می‌کند و می‌گوید که با نشستن یا گفتن کلامی یا تسبیحی بین اذان و اقامه فاصله بیندازد و کمترین حد آن، گفتن الحمدلله است. اما طوسی با فاصله‌ی ۷۹ سال بعد از صدوق، اولاً روایات بیشتری در این مورد آورده ثانیاً علاوه بر موارد مذکور، در یک روایت این فاصله را، دو رکعت نماز بیان کرده است. وی حتی برای نشستن بین اذان و اقامه پاداش شهیدی را که در راه خدا در خون خود غلتیده، قائل است در حالی که کلینی و صدوق در الکافی و الفقیه این مطلب را نیاورده‌اند. وی در جمع روایاتی که فاصله اذان و اقامه‌ی مغرب را یک نفس و یک نشستن گفته‌اند می‌گوید که این بستگی به وسعت یا تنگی وقت دارد. این مورد نیز در کتب کلینی و صدوق دیده نمی‌شود؛ بنابراین تاریخ‌انگاره اذان و اقامه در مؤلفه فاصله انداختن بین اذان و اقامه، مانند بسیاری دیگر از موارد مربوط به اذان و اقامه، تحولاتی از نوع توسعه پیدا کرده است.

۳-۹. اذان و دعا

در اسلام برای دعاها، زمان‌ها و مکان‌هایی پیشنهاد و گاهی به برخی از آن‌ها تأکید شده

است. از جمله این‌که در روایت آمده که در چهار زمان دعا را غنیمت شمارید: هنگام قرائت قرآن، هنگام اذان، هنگام نزول باران، هنگام روبه‌روشدن دو لشکر مؤمنین و کفار برای جنگ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۶۴). در کتب اربعه یکی از زمان‌ها برای دعا، بین اذان و اقامه در حالت نشسته و دیگری هنگام شنیدن اذان صبح و مغرب معرفی شده است. کلینی در این باره دعایی را مرفوعاً از امام (ع) ذکر کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۰۸). طوسی این روایت را با تفاوتی اندک در التهذیب آورده در حالی که سندش با سند کلینی متفاوت است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۴) ولی در الاستبصار در ابواب اذان و اقامه در این مورد روایتی نیاورده است.

صدوق نیز در الفقیه روایتی درباره دعا، هنگام شنیدن اذان صبح و مغرب آورده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۸۷). این دعا در ابواب اذان و اقامه در کتاب‌های الکافی و التهذیب دیده نشد.

دعایی که کلینی و طوسی بعد از اذان آورده‌اند با اندکی تفاوت، در حال نشسته خوانده می‌شود و دعایی که صدوق در هنگام شنیدن اذان صبح و مغرب ذکر کرده متفاوت با دعایی است که کلینی و طوسی آورده‌اند. باتوجه‌به مطالب مذکور، تاریخ انگاره اذان و اقامه در رابطه با دعا در حال نشسته بعد از اذان، ابتدا سیر نزولی داشته؛ چون کلینی یک روایت در این مورد آورده؛ ولی صدوق در این مورد مطلبی ذکر نکرده است سپس از زمان صدوق تا زمان طوسی سیر صعودی داشته چون مانند زمان کلینی دوباره همان دعا و در حالت نشسته مطرح شده است.

۴. نتیجه‌گیری

مطالعات روایات مربوط به اذان و اقامه از جهت بررسی تاریخ‌انگاره، در کتاب الصلاة در کتب اربعه حدیثی متقدمان امامیه منجر به نتایج ذیل شد:

۱- روایت‌های مربوط به انگاره اذان و اقامه درباره آغاز تعلیم اذان و اقامه به پیامبر به دو صورت هستند. برخی آن را به زمان معراج پیامبر و در بیت‌المعمور و برخی به هبوط جبرئیل در زمین نسبت می‌دهند. در روایات کتاب الصلاة در کتب اربعه در مورد زمان آغاز و مکان تعلیم اذان و اقامه در زمین مطلبی یافت نشد؛ ولی در منابع دیگر زمان آغاز تشریح اذان سال اول هجرت و در مدینه بیان شده است.

۲- تعداد فصول اذان در کتب اربعه ۱۸ فصل و اقامه ۱۷ فصل است.

۳- نویسندگان کتب اربعه عبارت «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» را در ابواب اذان و اقامه در

این کتب نیاورده‌اند. ایشان برآنند که عقیده به ولایت علی (ع) جزو اعتقادات شیعه است؛ ولی این شهادت در اذان و اقامه تشریح نشده است.

۴- عبارت «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» در ابواب اذان و اقامه در کتب اربعه شیعه جزء اذان و اقامه بیان شده است.

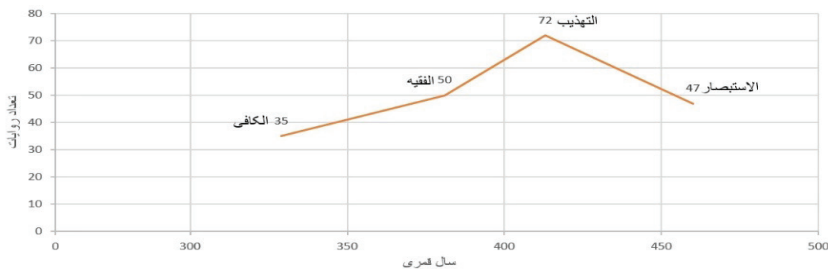
۵- عبارت «الْصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» که در اصطلاح «تثویب» نامیده می‌شود در روایات الکافی و الفقیه پذیرفته نشده؛ ولی طوسی گفتن این عبارت را در حال ضرورت و تقیه جایز شمرده است.

۶- موضوع برخی روایت‌ها درباره انگاره اذان و اقامه عبارت‌اند از: آغاز و محل تعلیم اذان و اقامه و وحیانی بودن تشریح آن، قصر، قرائت صحیح، داشتن وضوء، نگفتن «الْصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ»، فاصله انداختن بین اذان و اقامه، دعا هنگام شنیدن و قرائت اذان و اقامه.

۷- در اذان و اقامه مانند نماز قصر می‌شود. قصر در اذان و اقامه یا به تکتک گفتن عبارت‌های آن دو است یا به اکتفاء به اقامه و یا به شیوه‌ای متفاوت به طوری که هیچ‌یک از اذان و اقامه کامل قرائت نمی‌شوند و تنها عبارات پایانی اقامه قرائت می‌شوند. قصر در اذان و اقامه بستگی به شرائط نمازگزار دارد هرچند که بهتر است در آن دو قصر نشود.

۸- در اکثر قریب به اتفاق موارد مذکور در کتب اربعه امامیه، در سیر زمان از کلینی تا طوسی، با افزایش عناوین باب‌ها، تعداد روایت‌ها و متن‌های آن‌ها، به عبارتی با توسع در انگاره اذان و اقامه، روبرو هستیم.

نمودار تطورات عددی روایات اذان و اقامه در کتب اربعه طی ۱۳۱ سال



دسترسی به داده‌ها

داده‌های تولیدشده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- قرآن کریم.
- آشناور، مهدی. "بررسی کیفیت اذان و شهادت ثالثه با تکیه بر احادیث". حسنه، ۳(۱۳۸۸ش): ۸۰-۱۰۹.
- الله‌الهی، امان. "بررسی فقهی اذان در فقه شیعه". تأمل، ۱(۱۳۹۵ش): ۵۹-۶۸.
- برقی، احمدبن محمد، المحاسن، قم، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
- پاکتچی، احمد، محمدحسین شیرزاد، و محمدحسن شیرزاد. "تحلیلی زبان‌شناختی - بین‌الادیانی از انگاره نذر در قرآن کریم". کتاب قیسم، ۹، ۲۰(۱۳۹۸ش): ۷-۲۸.
- ترمذی، محمدبن عیسی، سنن ترمذی، مصر، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۵ش.
- توتازهی، عبدالستار، و ولی‌اله حسومی. "اعتبارسنجی روایت صلاة التسبیح یا نماز جعفر طیار". مطالعات فهم حدیث، ۱۰، ۲۰(۱۴۰۳ش): ۹-۳۱. doi: 10.30479/mfh.2024.19628.2328
- جعفرین محمد، منسوب به امام صادق (ع)، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه، ترجمه: حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ش.
- حرعاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- حکیم‌الهی، عبدالمجید. "شهادت ثالثه از بدعت تا وجوب". فقه و تاریخ تمدن، ۱۳، ۲(۱۳۹۵ش): ۱۳۵-۱۶۴.
- دهقانی، فرزاد، و رضوانه دستجانی‌فراهانی. "مواجهه شیخ طوسی با احادیث متعارض؛ (باب وقت المغرب ۱۴۹ تا باب عدداالفصول فی الاذان و الاقامة ۱۴۹-۱۶۷)". حدیث و اندیشه، ۳۰(۱۳۹۹ش): ۷۶-۵۵.
- رزاقی‌هریکنده‌ای، هادی و رقیه صادقی‌آهنگری. "بررسی تطبیقی مشروعیت تئویب از دیدگاه تشیع و اهل تسنن". مطالعات ادبیات تطبیقی، ۱۴، ۵۳(۱۳۹۹ش): ۱۵۷-۱۷۷.
- زارعی، فاطمه، و مریم فخرآبادی. "بررسی فقهی اذان و اقامه". چهارمین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، ۱۳۹۸ش.
- سبحانی‌تبریزی، جعفر. "حکم اذان قبل از طلوع فجر". فقه اهل بیت، ۵۰(۱۳۸۶ش): ۷۹-۸۹.
- سلیمانی، اسماعیل، و سمیه رجب‌زاده. "مضامین عبادی و عرفانی اذان و اقامه". عرفان اسلامی، ۱۴، ۵۴(۱۳۹۶ش): ۲۱۷-۲۳۹.
- شریفی، عباس، محمدرضا شاه‌سنائی، و عباس اسماعیلی‌زاده. "بررسی سندی و دلالتی روایات «الصدقة من أوساخ أيدي الناس»". مطالعات فهم حدیث، دوره ۱۰، ۲۰(۱۴۰۳ش): ۸۹-۱۰۸. doi: 10.30479/mfh.2024.19531.2319
- صدوق، محمدبن‌علی، ترجمه عیون أخبار الرضا (ع)، مترجم: حمیدرضا مستفید؛ علی‌اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۷۲ش.

- صدوق، محمدبن علی، ترجمه من لایحضره الفقیه، مترجم: علی اکبر غفاری؛ محمدجواد غفاری؛ صدر بلاغی، تهران، صدوق، ۱۳۶۷ش.
- صدوق، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
- طوسی، محمدبن حسن، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.
- طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- عابدی شهری، سیدجواد، و علی اکبر کججاف. "بررسی رویکرد صفویان در افزودن شهادت ثالثه به اذان". شیعه شناسی، ۷۶ (۱۴۰۰ش): ۱۴۷-۱۷۶.
- عباسی، سلیمان، محمدهادی امین ناجی، علیرضا دل افکار، و جعفر نکونام. "تاریخ انگاره شیطان در عهدین و قرآن کریم". پژوهشنامه قرآن و حدیث ۱۴، ۲۹ (۱۴۰۰ش): ۲۶۱-۲۸۶.
- عسقلانی، أحمدبن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۷۹ق.
- عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت، دارالآفاق الجدیدة، ۱۴۰۰ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، گزیده کافی، مترجم: محمدباقر بهبودی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مفضل، بن عمر، توحید مفضل، مترجم: محمدباقر مجلسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ش.
- موسی پور، ابراهیم. "زندگی حرفه ای مؤذنان و بازتاب آن در ذهن و زبان مسلمانان: پژوهشی در تاریخ اجتماعی اسلام". پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی ۴۳، ۹۱ (۱۳۸۹ش): ۱۲۶-۱۴۴.